

روش شناسی صدر المتألهین

استنباط معارف عقلی از نصوص دینی

غلامرضا میناگر

شناسنامه پژوهشی

عنوان تحقیق: روش شناسی صدر المتألهین

پژوهشکده: حکمت اسلامی، گروه علمی: فلسفه

محقق: حجت الاسلام آقای غلامرضا میناگر

ارزیابان علمی: حجج اسلام عبدالحسین خسروپناه و علیرضا قائمی نیا

موضوع اصلی: روش شناسی صدرایی

موضوع فرعی: چارچوب و قواعد استنباط و اصطیاد معارف عقلی از نصوص دینی در حکمت متعالیه

مدت انجام تحقیق: ۳ سال



روش‌شناسی صدرالمতالیهین

استنباط معارف عقلی از نصوص دینی

غلامرضا میناگر

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۲ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

طراح: علی سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: معراج

سرشناسه: میناگر، غلامرضا، ۱۳۲۰

عنوان و نام پدیدآور: روش‌شناسی صدرالمتالیهین: استنباط معارف عقلی از نصوص دینی /

غلامرضا میناگر.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۲۱۳-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ ق. نقد و تفسیر.

موضوع: حکمت متعالیه.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ردمبندی کنگره: BBR ۱۱۲۱/م۹۹ ۱۳۹۲

ردمبندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۵۷۱۹۸

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۲۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۷
فصل اول: مبادی تصویری و تصدیقی روش‌شناسی صدر المتألهین در استنباط معارف عقلی از نصوص.....	۲۹
مبحث اول: مبادی تصویری و تصدیقی.....	۲۹
گفتار اول: ویژگی‌های گزاره‌های عقلی.....	۳۰
گفتار دوم: تصور غیرعقلی و انواع آن.....	۳۰
الف) تصورات حسی.....	۳۱
ب) تصورات خیالی.....	۳۱
ج) تصورات وهمی.....	۳۲
گفتار سوم: وجود ملاکی واحد در هر یک از تصورات عقلی و کلی.....	۳۳
گفتار چهارم: تصدیق از نسخ تصور.....	۳۵
مبحث دوم: جایگاه نصوص دینی در معرفت‌انسانی از دیدگاه ملا صدرا.....	۳۹
گفتار اول: خاستگاه رفیع نصوص.....	۴۱
گفتار دوم: جامعیت و حجیت قرآن کریم از نگاه صدر المتألهین.....	۴۳
الف) برائت کلی از مخالفان شرع.....	۴۶
ب) انگیزه تفسیرنویسی: «یأس از ناکارآمدی فلسفه و رویکرد عاشقانه به قرآن».....	۴۷
ج) عدم کفایت عقل و عرفان و نیازمندی به وحی.....	۵۰
مبحث سوم: هماهنگی عقل و نصوص اسلامی در نزد صدر المتألهین.....	۵۲

گفتار اول: انحصار روش حکمت متعالیه در روش عقلی ۵۴

گفتار دوم: مبدئیت وحی به مثابه دومین منبع معرفتی حکمت متعالیه ۶۰

گفتار سوم: مصادیق ۶۵

الف) وحی مؤسس براهین فلسفی ۶۵

۱. تأسیس و ارائه برهان حوادث خاص ۶۶

۲. برهان فسخ عزایم ۶۷

۳. برهان معقولیت ۶۸

ب) وحی و کشف مبین براهین ۷۱

۱. برهان علیت ۷۱

۲. برهان حدوث ۷۱

۳. برهان حرکت ۷۲

۴. برهان فطرت ۷۴

۴-۱. تفسیر هستی‌شناسی ۷۴

۴-۲. تبیین و تعلیل ۷۵

۴-۳. وحی الهام‌دهنده براهین عقلی ۷۶

مبحث چهارم: تأثیر و نقش عقل در وحی و کشف ۷۷

گفتار اول: تدوین و تنسیق براهین خداشناسی ۷۹

گفتار دوم: تکمیل براهین ۸۰

گفتار سوم: طرح و کشف براهین ۸۰

گفتار چهارم: تبیین و اثبات مبانی براهین خداشناسی ۸۱

گفتار پنجم: بررسی نظریه‌ها ۸۲

مبحث پنجم: میزان بهره‌مندی صدرالمآلهین از آیات و روایات ۸۹

گفتار اول: استفاده از آیات ۹۰

الف) مصادیق به کارگیری آیات ۹۴

ب) گفتار تفسیر آیه‌ای یا پیکره‌ای آیات ۹۶

گفتار دوم: استفاده از روایات ۹۸

فصل دوم: مبانی عقلی و معرفتی روش صدرالمآلهین در استنباط معارف

عقلی از نصوص ۱۰۹

مبحث اول: رئالیسم معناشناختی و فهم متن ۱۰۹

- گفتار اول: تعریف «هرمنوتیک» ۱۱۱
- گفتار دوم: هرمنوتیک فلسفی و فهم متن ۱۱۴
- الف) دستاوردهای هرمنوتیک فلسفی ۱۱۷
- ب) نقد هرمنوتیک فلسفی ۱۱۸
- ج) نظریه مؤلف محوری ۱۲۲
- د) نظریه مختار در فهم معنای متن ۱۲۳
- مبحث دوم: واقع‌نمایی گزاره‌های متون اسلامی ۱۲۵**
- گفتار اول: معناداری «لفظ مفرد»، «گزاره»، «گزاره دینی» ۱۲۶
- الف) مراد از «گزاره» و «گزاره دینی» ۱۲۶
- ب) مقصود از معناداری گزاره‌های دینی ۱۲۹
- ج) دلایل معناداری گزاره‌های دینی ۱۳۱
- گفتار دوم: رئالیسم هستی‌شناسی ۱۳۷
- الف) تاریخچه و واژه‌شناسی ۱۳۸
۱. معنای رئالیسم ۱۳۸
۲. تاریخچه ایدئالیسم و رئالیسم ۱۴۰
- ب) انواع رئالیسم ۱۴۲
۱. رئالیسم هستی‌شناسی ۱۴۲
۲. رئالیسم هستی‌شناسی صدرالمآلهین ۱۴۴
۳. رئالیسم هستی‌شناختی علامه طباطبائی ۱۴۶
۴. رئالیسم معرفت‌شناسی ۱۴۹
۵. رئالیسم معرفت‌شناسی صدرا و علامه طباطبائی ۱۵۰
۶. هرمنوتیک قرآنی صدرالمآلهین ۱۵۴
- گفتار سوم: قواعد فلسفی ۱۵۹
- الف) اصالت وجود ۱۶۰
- ب) تشکیک در وجود ۱۶۴
- ج) بسط الحقیقه کل‌الأشیاء ۱۶۸
- د) تقریر حرکت جوهری ۱۷۰
- هـ) رابطه حرکت جوهری با اصل تقدم وجود بر ماهیت (اصالت وجود) ۱۷۲
- و) مواد ثلاث ۱۷۴

فصل سوم: اصول و چارچوب‌های نظری روش صدرالمতالیهین در کشف و

استنباط معارف عقلی از نصوص اسلامی..... ۱۷۹

مبحث اول: ارزش عقاید مستنبطه از متون؛ ارزش معرفتی (صدق و کذب) ۱۷۹

گفتار اول: صدق آیات الهی و روایات ۱۸۱

الف) آیات ۱۸۱

ب) صدق روایات ۱۸۲

گفتار دوم: باطن و حقیقت‌داشتن آیات و روایات ۱۸۳

گفتار سوم: ظاهر و باطن‌داشتن قرآن کریم ۱۸۷

گفتار چهارم: نتیجه و برآیند از گفتار صدرالمতالیهین درباره حقیقت ماورایی قرآن .. ۱۸۸

مبحث دوم: ارزش حجیتی (یقینی و ظنی)..... ۱۹۱

گفتار اول: حجیتی آیات و روایات ۱۹۳

الف) حجیت آیات ۱۹۴

ب) حجیت روایات ۱۹۶

گفتار دوم: عدم حجیت خبر واحد در مباحث اعتقادی ۱۹۷

مبحث سوم: ارزش دلالت نص در استنباط معارف از متون ۲۰۳

گفتار اول: رابطه سه‌گانه نص و معارف عقلی ۲۰۴

گفتار دوم: پرده‌برداری سنت استنباط از دلیل عقلی ۲۰۹

الف) اصطیاد برهان صدیقین ابن‌سینا از آیات ۲۱۰

ب) برهان صدیقین در منظومه و حاشیه اسفار و المیزان ۲۱۳

گفتار سوم: تبیین «اثبات‌گری کامل» ۲۱۶

الف) کشف اثبات‌گری کامل در روش استفاده از نص ۲۱۷

ب) شواهد اثبات‌گری تام در اصالت وجود ۲۱۹

ج) حرکت جوهری ۲۲۴

۱. برهان حرکت جوهری در آیات ۲۲۶

۲. استشهاد به چند آیه دیگر جهت حرکت جوهری ۲۳۱

۳. برهان حرکت جوهری در روایات ۲۳۷

۱-۳. وجود اصل حرکت در جهان ۲۳۷

۲-۳. نیاز حرکت به محرک ۲۳۸

- ۳-۳. خدا و خالق محرک ۲۳۹
- ۳-۴. لزوم ترکیب در ذات الهی ۲۴۰
- (د) برهان صدیقین ۲۴۱
۱. نظر ملاصدرا درباره اثبات صانع در قرآن کریم ۲۴۱
۲. اثبات گری از آیات در برهان صدیقین ۲۴۲
- (ه) مشارب و مأخذ اصل تشکیک ۲۴۵
- (و) بسیط الحقیقه ۲۴۸
۱. مأخذ و مشرب قاعده بسیط الحقیقه ۲۴۸
۲. وحدت حقه حقیقه ۲۴۹
- (ز) بهره‌گیری از دلیل نقلی ۲۵۲
۱. بهره‌گیری از دلیل نقلی «إِنَّكَ أَسْرَعُ لِحَاقًا بِي» به صورت مستقل ۲۵۲
۲. استفاده مطلق از دلیل نقلی «معاد» بدون اتکا به عقل ۲۵۳
۳. مشرب و مأخذ حدوث عالم از آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ۲۵۴
۴. استنباط حقایق ابدی با کشف الهامی صدرایی ۲۵۶
- گفتار چهارم: متممیت دلیل اثباتی عقلی ۲۵۸
- (الف) توضیح روش ۲۵۹
- (ب) مصداق بحث ۲۵۹
۱. علم خداوند به غیرخودش از ماهیات ۲۵۹
۲. تأویل واژه‌های «کتاب مکنون» و «لوح محفوظ» به عالم عقول ۲۶۲
۳. تأویل و استنباط «خزائن» به عالم عقول ۲۶۳
۴. تأویل «لَهِی الْخِیَوان» به ذاتی بودن حیات در اجسام و بدن‌ها ۲۶۴
۵. «قل هو الله احد» ۲۶۵
- گفتار پنجم: تأیید و شاهد بودن نص ۲۶۶
- (الف) بهره‌گیری از دلیل نقلی برای تأیید حکم عقل ۲۶۷
- (ب) تأیید برای اصل دینی «توبه» و «حقایق هستی» ۲۶۷
- (ج) شاهد و تأیید نصوص از برهان صدرا «دارای انواع بودن افراد در حشر» ... ۲۶۸
- (د) شاهد و تأیید از آیه «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ...» (هلاکت ذات ممکن) ۲۷۱
- (ه) نتیجه و حاصل نظریه ۲۷۲

۲۷۳	و) تحلیل روش دیالکتیک و اصل معرفتی صدرا از نص
۲۸۱	فصل چهارم: قواعد روش صدرالمتالیهین در استنباط معارف عقلی از نصوص اسلامی
۲۸۱	مبحث اول: سطوح نص و فعلیت بخشی به متن
۲۸۳	گفتار اول: سطوح مختلف دلالتی نصوص
۲۸۹	گفتار دوم: فهم و تفسیر
۲۹۰	الف) تفسیر لفظی
۲۹۱	ب) تفسیر باطنی (تأویل)
۲۹۵	مبحث دوم: تأویل و الفاظ
۲۹۷	گفتار اول: رابطه تأویل با الفاظ و آیات قرآن
۲۹۹	گفتار دوم: جایگاه تأویل قرآن
۳۰۲	گفتار سوم: ارائه طریق و روش کسب مقام «تأویل» از طریق روش «تدبر و تأمل» در نص
۳۰۸	مبحث سوم: آسیب‌ها و موانع
۳۱۱	گفتار اول: آسیب‌ها و موانع معرفتی درک حقایق ماورایی (تأویل)
۳۱۲	گفتار دوم: کشف معانی و استنباطات قرآنی از طریق الهام
۳۱۵	مبحث چهارم: جایگاه تأویل
۳۱۵	گفتار اول: انگیزه گرایش به تأویل
۳۱۸	گفتار دوم: تأمل صدرا در تفسیر به‌رأی
۳۲۰	گفتار سوم: دسترسی به مقام «تأویل» در حد امکان
۳۲۲	مبحث پنجم: پذیرش تأویل و سرایت آن به همه امور
۳۲۴	گفتار اول: نمونه‌هایی از «تأویل» آیات قرآنی
۳۲۴	الف) نمونه اول
۳۲۵	ب) نمونه دوم
۳۲۷	گفتار دوم: نمونه‌هایی از «تأویل» داشتن روایات معصومین علیهم‌السلام
۳۲۹	جمع‌بندی
۳۳۵	کتابنامه
۳۴۷	فهرست آیات و روایات
۳۵۷	نمایه اعلام
۳۶۳	نمایه موضوعی

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، و استقرار نظامی بر اساس ارزش‌های معنوی و احکام الهی در ایران، بار دیگر تفکر دینی به‌عنوان اندیشه‌ای امیدزا، حیات‌بخش و مرقی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر گردید.

تجدید حیات اندیشه و حیانی و ارزش‌های معنوی، از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سو باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتب بشری و نظام‌های استوار بر آنها گردید.

بایستگی تحقیق دقیق، جامع و منسجم، درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخور شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم، و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های دینی، به‌منظور تبیین عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین، و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی ممحض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بدین منظور، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، که نهادی علمی است، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی و مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، مشتمل بر شش گروه علمی با عنوان‌های «فلسفه»، «معرفت‌شناسی»، «عرفان»، «منطق فهم دین»، «کلام» و «قرآن‌پژوهی» است که در جهت تحقق اهداف ذیل فعالیت می‌نماید:

۱. بازپژوهی و بازپیرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق و پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
۴. پاسخ به شبهات الثانی در فلمرو عقاید و کلام اسلامی؛
۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های معارض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.

در راستای تحقق اهداف فوق، هر یک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن‌را به اعضای هیئت علمی خود و یا محققان عرصه حکمت و دین‌پژوهی واگذار نموده و با نظارت بر روند اجرای تحقیق و تأیید نهایی، جهت دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه حکمت اسلامی و دین‌پژوهی، آن را به چاپ و نشر می‌رسانند.

تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا میناگر در گروه فلسفه پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی است، به روش‌شناسی صدرالمآلهین در استنباط معارف عقلی از نصوص دینی می‌پردازد.

موضوع اصلی این تحقیق، نفس استنباط معارف عقلی از نصوص اسلامی در نظر صدرالمآلهین به‌عنوان یک روش معرفتی است. ویژگی‌های روش ملاصدرا برای کشف و استنباط معارف عقلی از نصوص اسلامی (قرآن و روایات) در بسیاری جهات شایان توجه است. از ویژگی‌های مهم روش

ملاصدرا در این گونه استنباطات، این است که ظواهر و گاه بطون آیات و روایات با یافته‌های عقلانی بسیار هماهنگ نشان داده می‌شود؛ به عبارت دقیق‌تر، از مطالعه طریقه تطبیقی او، طریقه فلسفی او قابل مستنبط، همچنین طریقه فلسفی او نیز از طریقه تطبیقی قابل اصطیاد است.

ضرورت‌هایی که در این تحقیق مطمح نظر است، عبارتند از: تأمین خلاهایی که در تعالیم عقلانی از ناحیه کمبود و یا نقص روشمندی معارف وحیانی احساس می‌گردد؛ ارائه پاسخی جامع و تبیینی متقن از تعالیم وحیانی - عقلی از طریق آگاهی به روش‌شناسی آنها و تلاش در هرچه نزدیک‌تر کردن عقل و وحی به یکدیگر در تحقیق مورد نظر و مرتفع کردن موانع آن.

فرضیه تحقیق این است که ملاصدرا روش منسجمی برای استنباط معرفت عقلی از نصوص دینی ارائه نموده، و اگرچه این روش را در غالب آثار خود به صراحت بیان نکرده است، اما مبانی اصول و قواعد این روش از آثار وی قابل اصطیاد است. این پژوهش اهتمام دارد که در خلال مباحث مطروحه به آن بپردازد.

بازکاوی و بازپژوهی آثار ملاصدرا می‌تواند ابتدای روش او را بر نظام‌مندی اصطیادات و استنباطات عقلی و ضروری وی از نصوص اسلامی جلوه‌گر سازد و نیز موجب گردد تا میراثی گرانبها به عنوان الگوی روش‌شناسی مناسب برای استنباط معارف عقلی از نصوص دینی در اختیار بگذارد و راه را برای پژوهش‌هایی از این دست، در این عرصه باز نماید.

در پایان، از همه اعضای شورای علمی گروه فلسفه و ارزیابان اثر حاج آقا اسلام آقایان عبدالحسین خسروپناه و دکتر علیرضا قائمی‌نیا و به ویژه مولف گرامی که با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند و همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی، چاپ و انتشار این اثر است سپاسگزاری می‌نمایم.

گروه علمی فلسفه

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی

مقدمه

اهمیت و ضرورت موضوع: از آنجا که جامعه امروزی به علت پیشرفت و توسعه، نیاز مبرم به تولید علم در همه زمینه‌های علمی، به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی اسلامی دارد، تولید علم در این عرصه‌ها ممکن نیست مگر با ابداع و پدیداری و یا کاویدن مباحث میان‌رشته‌ای در هریک از علوم. در این شکل است که این علوم جدید، مفتاح علوم روز و فتح الفتوح و راهبرد در مباحث و مسائل لاینحل هر یک از علوم، واقع و مقصود حاصل می‌گردد. بنابراین، جامعه علمی ما به مباحث میان‌رشته‌ای همچون قرآن و احادیث و سیاست، قرآن و احادیث و کلام، نصّ و فلسفه، نصوص اسلامی و عرفان، نصوص و اقتصاد یا کیهان‌شناسی یا علوم پزشکی و... نیاز دارد. در این میان نیازمند روشی است که مبانی، اصول و قواعد استنباط هر یک از علوم مضاف‌الیه ذکرشده از قرآن و روایات را کشف و روشن نماید تا با رعایت این اصول و قواعد راهبردی و کاربردی، معارف و علوم معتبری تولید و ارائه گردد. این نگاشته ناچیز که روش‌شناسی استنباط معارف عقلی از آیات و روایات از دیدگاه حکیم بزرگ صدرالمتهلین را به خامه قلم کشانده، به‌هدف جامه عمل پوشاندن به آرمان یادشده است، تا این کار بس ناقابل، با همه بی‌بضاعتی خود توانسته باشد غبارها و پیرایه‌های مقدم راه محققان و رصدکنندگان علوم آل محمد ﷺ را بزداید.

تبیین موضوع: موضوع اصلی در این تحقیق نفس استنباط گزاره‌های

عقلانی از نصوص اسلامی در نظر صدرالمتهالین به‌عنوان یک روش معرفتی مورد نظر است. بی‌شک، صدرالمتهالین روشی برای کشف و استنباط معارف عقلی از نصوص اسلامی (قرآن و روایات) داشته است. این روش را اگرچه به‌صورت نظام‌مند و مدون در بیشتر آثارش تصریح ننموده، ولی در برخی از نوشتارهای عمیق خود نظیر کتاب بسیار ارزنده و کم‌نظیرش *مفاتیح الغیب*، اشارات و تصریحاتی در این‌باره دارد. اما این روش از بسیاری از ویژگی‌های آن قابل بررسی و شایان توجه است. از ویژگی‌های مهم روش ملاصدرا در این‌گونه استنباطات، این است که ظواهر و گاه بواطن آیات و روایات با یافته‌های عقلانی بسیار هماهنگ نشان داده می‌شود؛ به عبارت دقیق‌تر، از مطالعه طریقه تطبیقی او، طریقه فلسفی او قابل مستنبط و همچنین، طریقه فلسفی او نیز از طریقه تطبیقی قابل اصطیاد است؛ زیرا همان اصول و روشی که در فلسفه وی به کاربرده آن مقدار انعطاف منطقی به فلسفه وی داده است که به سهولت و بی‌تکلف بتواند با فحوای نصوص و شرع مطابقت داشته باشد. عکس این قضیه نیز صادق است که از ذوق سرشار و قریحه ملاصدرا چنین تلقی شده است که توانسته با توانایی فوق‌العاده‌ای که در اصطیادات معارف عقلی از خود به منصه ظهور برساند، به‌درستی قابل انطباق بر اصول و روش فلسفی باشد. ایشان در مقدمه *اسفار* می‌گوید: «آنچه را رسول رساند، بی‌آنکه وجهی و تأویلی برایش درست کنیم می‌پذیریم».

و در عین حال طبق قواعد علم اصول، خود را مقید به امور غیریقینی نمی‌کند، و در صورت معارضه، یقینیات را ترجیح می‌دهد و ظواهر را یا مسکوت می‌گذارد و یا تأویلی مناسب برایشان در نظر می‌گیرد.

بازکاوی و بازپژوهی آثار ملاصدرا می‌تواند ابتدای روش او را بر نظام‌مندی اصطیادات و استنباطات عقلی و ضروری وی از نصوص اسلامی جلوه‌گر سازد و نیز، موجب گردد تا میراثی گران‌بها به‌عنوان الگوی روش‌شناسی مناسب برای استنباط معارف عقلی از نصوص دینی در اختیار بگذارد و راه را برای پژوهش‌هایی این‌چنین، در این عرصه باز نماید.

بیان پیشینه تحقیق: نقد و چالش صدرالمতألهین در حوزه‌های مختلفی از زمان وی تا به حال وجود داشته است. ذکاوتی قراگزلو نقدهای سنتی و معاصر از فلسفه صدرا را گزارش کرده است. عده‌ای در روش ملاصدرا مطالعه نظام‌مندی را ارائه کرده‌اند.^۱ مقالاتی طی دهه اخیر و به‌تازگی کتابی هم توسط احد فرامرز قراملکی در روش‌شناسی و نقد و بررسی دیدگاه‌های ذکرشده به نگارش درآورده است.^۲ فتحعلی اکبری در مقاله‌ای گزارش و نقدی از^۳ سه دیدگاه مختلف درباره حکمت متعالیه ارائه نموده‌اند. همچنین پایان‌نامه‌ها و مقالات و کتاب‌های فراوانی در این مقام منتشر شده‌است. برخی از پایان‌نامه‌ها با عنوان روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا به هیچ مسئله‌ای از مسائل روش‌شناسی حکمت متعالیه نپرداخته‌اند، بلکه تنها به گزارش آرای ملاصدرا بسنده کرده‌اند. بر این اساس از نظر پیشینه این نوع از روش‌شناسی باید اذعان داشت که چنین موضوعی با گستره مباحثی که مطرح گردیده، بی‌پیشینه بوده و مقاله و یا کتابی در این‌باره به شکل مستقل تاکنون یافت نشده است؛ زیرا به سبک روشمندان به تحلیل و ارزیابی موضوع مورد نظر، با شیوه‌هایی که به آن پرداخته شده، مبادرت ورزیده است، و حداقل نویسنده به منابع در این‌باره آگاهی پیدا نکرده است. این تحقیق در حد وسیع خود، عرصه‌های جدیدی از علوم میان‌رشته‌ای الهیاتی را که متشکل از رهیافت معارف عقلی با معارف نقلی است و ضرورت و نیاز جدی امروزی است، بسط و تبیین خواهد نمود.

اهداف: اهدافی که در این تحقیق دنبال می‌شود عبارت‌اند از:

۱. ذکاوتی قراگزلو؛ سیر تاریخی نقد ملاصدرا؛ ص ۲۹۹.
۲. رک به: احد فرامرز قراملکی؛ «روی‌آورد بین‌رشته‌ای و هویت معرفتی فلسفه صدرایی»؛ مقالات و بررسی‌ها؛ دفتر ۷۲، ۱۳۷۷.
۳. فتحعلی اکبری؛ «دیدگاه‌های مختلف درباره حکمت متعالیه»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان؛ دوره دوم، شماره ۲۵ و ۲۴. نویسنده این مقاله مطالعه نظام‌مندی را ارائه می‌دهد، اما این تحقیق جامع همه دیدگاه‌ها نیست. وی صرفاً به نقد و بررسی سه دیدگاه می‌پردازد.

اول: ارائه روش تأیید یا نقد در عرصه فهم و استنباط معارف عقلی از نصوص اسلامی. روشی که نشئت گرفته از مبانی حکمت متعالیه است. این روش، کیفیت و نحوه اصطیاد و استنباط معارف و قضایای عقلی که از نصوص دینی به دست آمده را ارائه می‌دهد؛ به عبارتی به تبیین روش بهره‌گیری معرفت‌های عقلی از آیات و روایات می‌بادرت می‌نماید.

صدرالمآلهین نوعی روشی را ارائه می‌دهد که قابل تأمل است. روش حکمت متعالیه، همانند سایر نظام‌های فلسفی اسلامی، افزون بر برهانی‌بودن، وحیانی و شهودی است. آری، از دیدگاه حکمت متعالیه، برهان همراه با وحی نه تنها طریقی مطمئن برای دستیابی به احکام عقلی صادق است، بلکه به دلیل وحیانی و نیز شهودی بودن، راهی مقبول برای وصول به حق و حقیقت است.

دوم: دیگر از اهداف ارائه روش مصداق‌شناسی آموزهای عقلانی (با توجه به روش صدرالمآلهین) از نصوص دینی است. در این روش می‌توان معیاری برای آگاهی از مصادیقی که به نظر می‌رسد به وجهی از وجوه آموزهای عقلی را در گزاره‌ای ترسیم می‌نماید، ارائه داد.

سوم: بالندگی معرفتی و روش‌شناختی کشف و استنباط عقاید عقلی (با توجه به روش صدرایی) و مآلاً تحکیم و تعمیق فلسفه اسلامی از طریق:

• دقیق‌کردن روش‌شناسی؛

• تبیین روش اصلاح صورت مسائل؛

• اصلاح و دقیق و قوی‌تر ساختن پاسخ‌های فلسفی به مسائل عقلی.

چهارم: گسترش معارف وحیانی به حوزه ادراکات عقلانی، آن‌هم به روش واردکردن تعالیم متعالی اسلام به مثابه بنیادهای ضروری و هسته‌های اساسی در فلسفه و به دیگر سخن، دلایل عقلی و منطقی که در متون دینی بدان اشاره شده است، در فلسفه به کار گرفته شود، آن‌هم به سه شیوه:

الف) به مثابه اصولی برای کشف حقیقت و استخراج مجهولات، مانند اصول عمومی فلسفه.

ب) به منزله واقعیاتی عینی همچون دیگر واقعیت‌ها، مانند طبیعت، حرکت،

زمان و مکان. باید برای فهم و تبیین، به مطالعات علمی و اندیشه‌های تحلیلی و فلسفی روی آورد؛ به عبارت دیگر، فلسفه در تبیین و تحلیل مسائل فلسفی نیز می‌تواند از آیات و روایات الهام کامل گیرد. اینکه صدرالمതألهین داده‌های نص را بدین گونه در جریان تفکر وارد ساخت به این دلیل است که این معطیات، یقینی و غیرقابل تردیدند، همچون آیات و احادیثی که دلالت‌شان بر مدلولات به حد یقین رسیده است و یا معانی ماورایی و وجودی غیرقابل تردیدی که از آیات و روایات به دست می‌آیند.

ج) به عنوان تبیین‌هایی دقیق از جریان‌های هستی؛ چه بسا عقل انسان بر اثر علل - نه دلایل - به انحراف فکری کشیده و اسیر توهمات و تخیلات شود و همین امر سبب اختلاف فراوان عقول بشری شده است و مدل‌های متفاوت عقلانیت را در جهان معاصر به عرصه ظهور رساند. دین اصیل و حق می‌تواند به عقل آدمی جهت، و انحراف فکری را به او هشدار دهد و مسیر تفکر او را بازنگری کند. فلسفه صدرایی در این گونه نرازاها با حفظ امانت به زبان دین و حق سخن می‌گوید و حقایق را تفسیر می‌کند. شرح او بر اصول کافی و تفسیرش بر قرآن و کتاب اسرارالآیات و کتاب مفاتیح الغیب، کتاب‌هایی است که به مقدار بسیاری از لغت قرآن و حدیث برای تبیین حقایق استفاده کرده است.

روش: روش مورد نظر در این نوشتار که نویسنده در ممارست بر آثار صدرالمതألهین، آن را کشف نموده، غیر از روش‌ها و شیوه‌های کاربردی است که برای هر فلسفه‌دان و فلسفه‌ورزی با مطالعه و تمرکز فکری و تمرین به دست آوردنی است، افزون بر این مهارت - چنان‌که صدرای برتری حکمت متعالیه را نسبت به دیگر فلسفه‌ها، بیشتر مرهون آنها می‌داند^۱ - تمرین و

۱. در تأیید بیان بالا باید اذعان داشت که صدرالمതألهین، حکمت متعالیه را برتر از حکمت مطلقه [فلسفه محض] - به واسطه عدم اعتماد بر آن در بحث خالص - می‌داند و توجهش به کشف و ذوق است، و معتقد است حصول معرفت از سه راه: برهان و کشف و وحی (کتاب و سنت) حاصل می‌آید.

ممارست و تبحر در زمینه دیگری ضروری و مورد نیاز است که البته صاحب چنین جایگاهی بودن، کار همه‌کس و هر فلسفه‌دانی نیست، بلکه از ناحیه وجود و درون خود، باید طبق نگاه و هستی‌شناسی که از عالم برای خود اختیار نموده است، با دست ریاضت، همچنان‌که صدرالمتألهین مکرر به آن تأکید دارد، آراسته و مزین و متّصف به اخلاق الهی و سالک راه انسانیت گردد؛ یعنی همان چراغ‌ها و نورهای مستفاد از نصوصی که قبل از رسیدن به مقصود و مشهودش وی را راهبری و دست‌گیری نموده بود؛ یعنی همان نورهایی که در تمثیل، غواص را به درستی تا به سر منزل مقصود هدایت و ایصال کرده بود.^۱

داشتن موقعیت کشف و یا ذوق یا شهود فیلسوف از مشهودات خود، دقیقاً مانند شناخت و آگاهی صیاد از خود صید است، که در صورت نداشتن آگاهی ممکن است به جای ذرّ و مروارید ذی‌قیمت، کالاهایی مشابه آن اما بی‌ارزش، مانند: سنگ‌ها و یا اشیایی را در اصطیادات خود از دریا استحصال نماید. که در این شکل باید گفت: **ضَعَفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ**.

پرسش‌های اصلی و فرعی: پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: روش صدرالمتألهین (با عنایت به عناصر و اصول عقلی - معرفتی و پیش‌فرض‌های آن) در کشف و استنباط و اصطلاح معارف عقلی از نصوص اسلامی چیست؟

شرح پرسش‌های فرعی تحقیق عبارت‌اند از:

- مبانی تصویری و تصدیقی روش‌شناسی استنباط معارف عقلی از نصوص کدام‌اند؟

در کتاب **شرح اصول کافی** گوید: بعضی از اسرار دین و شرع مبین الهی به حدی بلند است که خارج از مقام عقل فکری می‌باشد و آن اسرار را جز از راه مقام ولایت و نبوت نمی‌توان شناخت؛ زیرا نسبت مقام عقل و نور آن به مقام ولایت و نورش همانند نسبت نور حس است به نور فکر، و آنجا از ترازوی فکر بهره‌چندانی نتوان برد. (ر.ک به: محمد خواجوی؛ **دو صدرالدین یا دو آوج شهود و اندیشه در جهان اسلام**؛ ص ۱۸۴).

۱. اشاره به جهت موسعی که نسبت به روش اول قیاس گردیده بود.

- میزان بهره‌مندی صدرالمতألہین از آیات و روایات در اصطیاد معارف

عقلی تا چه اندازه است؟

- هماهنگی عقل و وحی از دیدگاه صدرا چگونه است؟

- قواعد کشف و استنباط و اصطیاد معارف عقلی از نصوص شرعی از

دیدگاه صدرالمতألہین کدام‌اند؟

- اصول و چارچوب‌های نظری روش صدرالمতألہین در استنباط

معرفت‌های عقلی از متون اسلامی چیست؟

- ارزش دلالت استنباط معارف عقلی از نصوص کدام‌اند؟

فرضیه: فرضیه تحقیق این است که ملاصدرا روش منسجمی برای استنباط معرفت عقلی از نصوص دینی ارائه نموده، و اگر چه این روش را در غالب آثار خود به روشنی در آثار خود بیان نکرده است، اما مبانی، اصول و قواعد این روش از آثار وی قابل اصطیاد است. این پژوهش اهتمام دارد که در خلال مباحث طرح‌شده به آن بپردازد. اما به‌طور خلاصه پاسخ پرسش اصلی تحقیق به صورت فرضیه در یک جمله بیان می‌شود که عبارت است از: «روش‌شناسی عمل (روش عملی و وجودی فیلسوف)، یا روش تدبیر و تأمل تأویلی» صدرالمতألہین در کشف و استنباط معارف عقلی از نصوص وحیانی.

نوآوری و نقد: در این تحقیق به لطف الهی سه نوآوری در خلال بحث‌های رساله به تحقق پیوسته است. تمام سعی و کوشش نگارنده بر این بوده تا مباحث صبیغه توصیفی نداشته باشند، بلکه تحلیلی باشند و در برخی از مواضع آن، به نوآوری یا نظریه جدیدی نزدیک و یا دست یابد. آنچه این نوشتار در جست‌وجوی آن است، تأکید هرچه بیشتر بر هماهنگی شریعت و عقل در حکمت متعالیه و تأکید بر جایگاه وحی در مبادی این حکمت است. در این مجال سعی شده است تا نظر صدرالمতألہین را بر یکی از دو محملی که از فحوای کلمات و نگاشته‌های او پیداست حمل گردد، که البته بنا بر فرضیه نگارنده، حکمت متعالیه در گزاره‌های هستی‌شناسانه، در هنگام قضاوت و داوری، عقل به‌تنهایی به قضاوت نمی‌نشیند بلکه آموزه‌های وحیانی

به‌طور بی‌واسطه یا باواسطه به او امداد و یاری می‌دهند تا به داوری بنشیند. از عمده‌ترین شواهد این مدعا، سرگ‌شدن محتوای کمی و متعالی‌تر شدن محتوای کیفی مسائل حکمت متعالیه نسبت به فلسفه مشایی و اشراقی است.

در نظریه دوم، بر این عقیده بوده‌ام که:

بر این ادعاست که صدرالمتألہین در نوع رابطه‌ای که میان نصّ و معارف عقلی هست‌وجو می‌کند، نوعی روش نیمه‌پنهان در بهره‌برداری از نصّ دینی (آیات و روایات)، از خود به جای گذاشته است. بررسی و کشف این روش را که این نوشتار بر عهده داشته، به هرچه بهتر و بیشتر شناختن روش صدرا در استنباطات عقلی او از نصوص کمک شایانی می‌نماید. ناگفته نماند که این مدعای صرف نیست، بلکه برای آن در هر یک از مراحل در وسع این گفتار شواهد و قراینی ارائه گردیده است.

در برخی از مواقع نقش نصّ در استنباط و اصطیاد معارف عقلی سهم مستقلی را به خود اختصاص داده است. البته باید خاطر نشان کرد که این شیوه همراه با تهذیب و شهود مستنبط ارتباط تنگاتنگ و وجیهی دارد؛ به این معنا که هرچه تهذیب کامل‌تر باشد و شهود تام‌تر، اثبات صدرا از آیات و احادیث کامل‌تر صورت پذیرفته، و به تأویل حقیقی آیات و روایات رهنمون گردیده است. اما در دو بخش دیگر سهم کمتری نه در حد اثبات کامل از نصّ، بلکه در حد اثبات ترکیبی و متممیت نقل با عقل در قسمت دوم و در بخش سوم از نصوص و نقل به‌صورت شاهد برای عقل و احکام عقلی به‌منظور استنباط و اصطیاد معرفتی از معارف عقلی بهره برده شده است.

روش سه‌گانه یادشده توانسته مدعا و فرضیه این نظریه را در این گفتار به‌خود پوشش بخشد.

در نظریه سوم، نوعی روش‌شناسی را از روش صدرالمتألہین کشف نموده‌ام به این شکل:

صدرالمتألہین از «تأویل» به‌مثابه یک «روش عملی و وجودی» برای کشف باطن امور و نیل به «حقیقت» آنها استفاده کرده است. خلاف بسیاری از

مفسران و اصولیین که تأویل را تنها درباره آیات قرآن جاری می‌دانند، ملاصدرا به کمک ضمیر خلاق و قریحه خود، آن را به همه امور تعمیم داده است. وی بر این باور است که همان‌گونه که قرآن (کتاب تدوین) و دارای ظاهر و باطن است، سخنان معصومین علیهم‌السلام نیز دارای ظاهر و باطن و تفسیر و تأویل‌اند که به کمک «تدبیر در نصّ و تأویل» می‌توان باطن آنها را دریافت. «تأویل» به معنایی که مورد نظر ملاصدرا است، هرگز یک امر مفهومی صرف نیست، بلکه از پشتوانه عظیم وجودشناختی برخوردار است. توجه کافی‌نداشتن به اصول و مبانی روش‌شناختی ملاصدرا در هستی‌شناسی تأویلی وی، موجب می‌شود که شخص نتواند به معنای دقیق «تأویل عملی وجودی» و روش تحقق آن پی‌برد. بی‌تردید یکی از وجوه اصلی تمایز میان این نوع از «روش عملی» مورد نظر ملاصدرا و هرمنوتیک جدید همین معناست که در هرمنوتیک جدید متن کتاب مقدس و تأویل و تفسیر آن تنها یک فرایند زبانی است؛ درحالی‌که تأویل قرآن و سخنان معصومین علیهم‌السلام در نزد ملاصدرا امری کاملاً عینی و عملی و وجودی است که بدون توجه به عالم حقیقت و وجود و انسان قابل تبیین نخواهد بود. ایجاد حس تأویل چیزی نیست که تنها از طریق علوم اکتسابی و تعلیمی به‌دست آید، بلکه نیازمند نوعی مجاهده نفسانی و تصفیه باطن و تزکیه نفس است؛ چه، کسی که به تأویل امور آگاهی می‌یابد، نخست حقیقت امور را در درون خود مشاهده می‌کند و سپس می‌کوشد رقیقه‌ای از آن حقیقت باطنی را در قالب الفاظ و کلمات به‌صورت استدلالی بیان نماید. این نگاشته بر آن است تا در حد وسع تحلیلی از فرایند روش تدبیر تأویلی و عملی ملاصدرا در نقل و نصّ به عیان خوانندگان بنمایاند. عمده نقد نیز مربوط به نظر برخی از پیشینیان است.

ساختار بحث: در فصل اول این نگاشته، نتیجه‌ای که می‌توان به‌دست آورد این است که صدرالمتألهین به‌علت جایگاه و نیز قوت و کاربرد کامل و بی‌نقصی که نصوص وحیانی و اسلامی از دو نشئه این عالم و جهان آخرت دارد، در قبال عقل، به‌اهمیت نقش آن توجه نموده و در بیشتر آثار خود به

تمامی از آیات و روایات استفاده و به گفته خود، استناره کامل و فراوان برده است. به همین خاطر است که با وجود دیگر فیلسوفان مشایی و اشراقی، وی در *اسفار اربعه*، که یکی از استوارترین آثار جاودانه خود است، نزدیک به هزار مورد در استناره و استفاده از آیات الهی بهره جسته است.

فصل دوم، همچنان که صدرالمতالیهین در مسئله فهم متن و معناشناختی از اصل «واقعیت» به طور وافر بهره گرفته است، در مسائلی مانند هستی‌شناخت و نیز معرفت‌شناسی، همان گونه که در این گفتار ذکر خواهد شد، جملگی از «واقعیت» و «رنالیزم» استفاده کامل برده است. افزون بر این، صدرا در اصول و قواعد فلسفی خود همچون «اصالت وجود» و «تشکیک وجود» و... از واقعیت‌گرایی و اصالت حقیقت برای هرچه بهتر و بیشتر کاربردی کردن آنها در هستی‌شناسی و مآلا در حکمت متعالیه، به نحو فزاینده کارسازی نموده است.

سومین فصل، تبیینی به وسیله نویسنده از طریقه کلی صدرالمতالیهین در نحوه دستیابی به معارف عمیق و مدلولات تأویلی نصوص وحیانی که به شکل تعاملی و دیالکتیکی در هریک از مرحله‌ها (غیر از مرحله و سفر چهارم) صورت پذیرفته، ترسیم و ارائه گردیده است. این رفت و برگشت و تعامل دوجانبه مسائل، باعث تکمیل و تکامل سیر در آن مرحله است که نتیجه آن در شفاف‌شدن و تبیین هرچه بهتر «تأویلات» از نص، تأثیر بخشی تام و تمام دارد. تأویلات نیز در تبیین استنباطات و اصطیادات معارف عقلی نقشی ویژه را ایفا می‌کند؛ زیرا بیشتر استنباطات عقلی برگرفته از همان تأویلاتی است که در حکمت متعالیه این حکیم نام‌آور کاربرد دارد.

و در پایان، فصل چهارم، ثقل بحث در این رساله بر این مطلب متمرکز است که ملاصدرا از «تأویل» در نص به عنوان یک «روش» برای کشف باطن امور و نیل به «حقیقت» آنها استفاده کرده است. خلاف بسیاری از مفسران اصولیین که تأویل را تنها درباره آیات قرآن جاری می‌دانند، ملاصدرا آن را به همه امور به‌ویژه به احادیث نیز تعمیم داده است. در نمونه‌هایی که از آیات

قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام در این فصل بیان شده، به خوبی می توان رصد نمود که ملاصدرا چگونه از «تأویل» به عنوان «روش شناسی عمل (روش عملی و وجودی فیلسوف)، یا روش تدبیر و تأمل تأویلی» برای دریافت معانی باطنی آنها یاری گرفته است.

در پایان، نگارنده این تحقیق را نیازمند به پیشنهادها و انتقادهای سازنده همه استادان فن و دیگر دوستداران این رشته خطیر می داند و با آغوش باز به سراغ همه آن عزیزان خواهد آمد و دست آنها را در این زمینه خواهد فشرد.

آخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ